

اسناد و نامه های تاریخی

ژویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مجله بررسیهای تاریخی در هر شماره، چندین مقاله از مجله علوم انسانی

اسناد و نامه های تاریخی که پیش از این در جیب چاپ شده اند

بجای پیرایه تازه رفته در لاک و اسناد پراکنده تاریخ ایران

جمع آورده و برابر استفاده پژوهشگران آماده گردید.



پښتونستان د علوم او مطالعات فرانسې
پر تال جامع علوم انسانی

در سال ۱۳۳۴ اسنادی چند که در اختیار آقای سید علی کبیر از قضات عالی رتبه دادگستری بود توسط جناب آقای الهیار صالح برای فیلم برداری در اختیار کتابخانه دانشکده حقوق قرار گرفت و من موفق شدم سه نامه مهم آن را در همان ایام در مجله یغما تحت عنوان «سه سند از اعتمادالدوله نوری» به چاپ برسانم^۱

اینک که مجله بزرسیهای تاریخی در نشر اسناد تاریخی اهمیاتی مخصوص دارد مناسب دیدم که کلیه آن اسناد را طیفه بندی کنم و بوسیله صفحات این مجله در دسترس محققان تاریخ آن دوره قرار دهم. این اسناد بعضی خطاب به حسام السلطنه حاکم هرات و بعضی خطاب به عضدالملک نایب التولیه آستان قدس (سرکار فیض آثار) و والی خراسان است.

طبقه بندی که در چاپ آنها رعایت شده بدین صورت است :

- ۱ - فرمان ناصرالدین شاه .
 - ۲ - دستور های ناصرالدین شاه .
 - ۳ - مکتوبهای اعتمادالدوله میرزا آقاخان نوری صدر اعظم .
 - ۴ - اسناد متفرقه .
- و در هر قسمت اسناد به ترتیب تقدم و تاخر صدور آنهاست .

متأسفانه ظهر همه اسناد نام مخاطب ضبط نیست و به احتمال در آن موارد نام مخاطب را معلوم کرده ایم . از همکار عزیزم آقای دریاگشت بسیار متشکرم که در استنساخ این اسناد مرایاری کرده اند .

ایرج افشار

شعبه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

ایرج افشار

شصت و چهارم در باره وقایع هرات و خراسان

بخش اول: فرمان ناصرالدین شاه

[فرمان ناصرالدین شاه به عضدالملک درباره تعمیر فرش حرم]
بامهر شاه در بالای فرمان

جناب عضدالملک، از قراریکه بعرض ما رسید سنگهای فرش زمین حرم محترم [چند کلمه پاره شده] علیه و علی آباءه الف سلام و تحیه پست و بلند زیاد دارد و ضرر آن به فرش حرم می‌رسد و در وقتی که آب برای تطهیر حرم محترم بسته میشود آب بزمین فرو میرود و بطاق و دیوار سمت پائین پای مبارک شکست رسانیده است. آنجناب مأذون و مرخص است که از قرار این دستخط [دو کلمه پاره شده] در صدد رفع پست و بلندی سنگهای فرش زمین حرم محترم و تعمیر آنجا برآمده آنچه اخراجات آن میشود از مال موقوفات حضرت خرج کند که رفع [دو کلمه پاره شده] و ضرر بفرش و طاق نرسد [دو کلمه پاره شده] کمال اهتمام نماید که انشاءالله تعالی آنجا بطور خوب تعمیر شود و در عهده شناسد، فی شهر محرم الحرام سنه ۱۲۷۴.

بخش دوم = دستور های شاه

[دستور شاه به عضدالملک در باره معدن طلا]

هو ، درباب معدن طلا اظهاری کرده بودید حقیقه باید درین باب لازمه اهتمام به عمل آورده ان شاءالله تعالی درست معلوم و مشخص نمائید که معدن بامعنی است ، حقیقت دارد یا نه ؛ از خاکش باز بدهید آدم باوقوفی بشوید و عمله بگمارید کار کرده رگ تازه پیدا کنند. خلاصه درین باب اهمال و اغفال نکرده کمال سعی را به عمل آورید. شاید ان شاءالله تعالی معدنی باشد بامعنی و به کار دولت آید. حرره فی شهر محرم الحرام سنه ۱۲۷۷

(صححة ناصرالدین شاه). صحیح است

پشت مکتوب مهردبیر الملک دیده می شود

= ۳ =

[دستور شاه به عضدالملک در بر گردانیدن فراریان ایل تیموری]

هو ، درباب بر گردانیدن فراریان ایل تیموری شرحی نگاشته اظهار داشته بودید که میرزا محمد حسین مستوفی و مهر علیخان سر کرده سواره باجلان خدمات نمایان کرده همراه صارم الملک رفته آنها را بر گردانیده اند خدمات آنها در خاک پای مبارک درجه قبول و استحسان یافت البته آنها را به شمول مراحم علیه شاهانه امیدوار نمائید. لکن آن چهار صد خانواده فراری را بایست کوچانیده و بسرخس روانه دارید باز... آنها همین است که همان خانوار را حتماً کوچانیده بسرخس بفرستید و تتمه خانوار تیموری و عمارلو را هم موافق قاعده در میان طوایف سویت کرده بطوری که صارم الملک تعهد کرده کوچانیده روانه نمائید که برای زراعت سنبله در آنجا حاضر شوند. فی شهر محرم سنه ۱۲۷۷ .

باصحة شاه «صحیح است» و مهردبیر الملک در پشت دستور .

= § =

[دستور شاه به عضد الملک راجع به اعزام معمار برای محمد ولی خان]

از قراریکه نوشته بودید معمار و بعضی اسباب لازمه که مقرب الخاقان محمد ولی خان سردار خواسته بود از برای او فرستاده اید بسیار خوب کرده اید. البته بعد از این هم هر وقت برای او اسبابی لازم میشود و بشما می نویسد در فرستادن آن کمال اهتمام بعمل آمده اورا معطل نگذارید. شهر محرم الحرام سنه ۱۲۷۷. صحیح است (صححه شاه) و مهر دبیر الملک در پشت دستور.

= ⊙ =

[دستور شاه به عضد الملک در باره مهمان داری از سردار سلطان احمد خان حاکم هرات]

نمره ۱۷

هو، در باب مهمان داری و توقیر و احترام سردار سلطان احمد خان حاکم هرات تفصیلی نگاشته بودید در خاکپای همایون مستحسن و مقبول افتاد. هر قدر در رعایت شرایط احترام و توقیر او زیادتر مبالغه و اهتمام شود باعث خشنودی اولیای دولت علیه خواهد بود. بعد از اینهم باید در میان شما رابطه مودت و بگانگی مستحکم باشد. در باب موقوفات سرکار فیض آثار^۱ البته مراقبت کرده بالتمام به تصرف در آورید و محصولات آنها را ضبط و تصاحب نمائید. حرره فی شهر محرم الحرام سنه ۱۲۷۷.

باصحه شاه «صحیح است». و پشت دستور را دبیر الملک مهر کرده است.

۱ - مراد موقوفات آستان قدس رضوی در هرات است

= ۶ =

[دستور شاه به عضدالملک درباره قروض سردار سلطانعلی خان]

نمره ۲۲

در باب قروض سردار سلطانعلی خان که نوشته بودید خود شما قبول کرده به طلبکاران او تمسک سپرده‌اید بسیار خوب کرده‌اید انشاءالله تعالی بهمانطور که تمسک سپرده‌اید تنخواه آن با چاپار دیگر انفاذ و ارسال میشود که به طلبکاران او داده تمسکات خود را بگیرید. شهر محرم الحرام سنه ۱۲۷۷.

با صحه شاه: «صحیح است». پشت دستور را دبیرالملک مهر کرده است.

= ۷ =

[دستور شاه به عضدالملک در باره فروش غله سرکار فیض آثار]

نمره ۲۷

هو، واضح است که با آنهمه قشون که مأمور خراسان است غله دیوانی کفایت نخواهد کرد. لامحاله باید بقدر پنجهزار خروار جنس از انبار حضرت (ع) بدیوان اعلی بفروشید. از حالا که سرخرمن است بر حسب امر قدر قدرت همایون بشما اظهار میشود که باید بقدر پنجهزار خروار از جنس حضرت نگاهداری کرده بمصرف برسانند تا انشاءالله تعالی در مقام ضرورت نمایند. در این باب باید [چند کلمه پاره شده] داشته باشند. حرره فی شهر محرم الحرام سنه ۱۲۷۷.

با صحه شاه: «صحیح است» و مهر دبیرالملک در پشت.

ناصرالدین شاه در حاشیه بخط خود نوشته است:

البته از جنس حضرت در انبار مشهد مقدس بقدر پنج هزار خروار حاضر بکنید. اگر برای قشون مرو خواستند به قشون بفروشید یعنی به دیوان، والا باز مال حضرت است. در مشهد فروخته می شود. البته حاضر کنند.

=۸=

[دستور شاه به عضدالملک در قرض دادن به افغانه]

نمرة ۲۹

هو ، حضرات افغانه که بدر بار گردون مدار همایون می آیند غیر از ضرر گزاف از وجود آنها حاصلی نخواهد بود. بر حسب امر همایون باید بعد از این از آنها احدی را نگذارید بدار الخلافه الباهره بیایند. اگر آمدند از همانجا بر گردانید و باهالی خراسان هم قدغن و اخبار نمائید که بساطمینان دیوان اعلی دیناری بآنها قرض ندهند و اگر چیزی بآنها بعنوان قرض بدهند از کیسه آنها خواهد رفت. البته قدغن نکید نمایند. حرره فی شهر محرم الحرام سنه ۱۲۷۷

با صحه شاه: «صحیح است» و مهر دبیر الملک در پشت دستور.

ناصرالدین شاه به خط خود در حاشیه نوشته است :

به همه اعلام کنند که قرض ندهند و نگذارید دیگر این [یک کلمه سیاه شده] به طهران بیایند .

=۹=

[دستور شاه به عضدالملک در باره سید ابوالحسن خان]

نمرة ۳۴

هو ، در باب حاجی سید ابوالحسن خان شرحی نگاشته اظهار داشته بودید که بمنصب امامت سرکار فیض آثار منصوب و برقرار داشته اید در خاکبای فلک فرسای همایون هم موقع قبول و استحسان یافته فرمان همایون برای مزید مفاخرت و امیدواری او شرف صدور یافت باو بدهید زیارت کرده بامیدواری سرگرم خدمت گذاری سرکار فیض آثار باشد. حرره فی شهر صفر المظفر سنه ۱۲۷۷.

با صحه شاه : «صحیح است» و مهر دبیر الملک در پشت دستور .

=) =

[دستور شاه به عضدالملک درباره حرکات سردار سلطانعلی خان]

نمرة ۳۶

هو، در باب حرکات خلاف و هرزگی و حق ناشناسی سلطانعلی خان و سایر افغانه قندهاری که اشعاری کرده بودید اگرچه بهر گونه عقوبت و سخط و سیاستی مستحق بودند ولی بهمان سیاست دو نفر افغان اکتفا شده مصحوب محمد خان چاپار چند روز پیشتر حکم همایون شرفصدور یافت که سلطانعلی خان را مقرب الخاقان شهابالملک روانه هرات کند.

البته شما هم از مدلول حکم همایون مستحضر شده تا به حال او را روانه داشته‌اید. حاجت بتزقیم مجدد نیست. حرره فی شهر صفر المظفر سنه ۱۲۷۷. صحیح است (صحته شاه). بامهر دبیرالملک در پشت دستور.

=) =

[دستور شاه درباره علمای نیشابور و حرکت آخوند ملاهاشم]

فیمابین علمای نیشابور گفتگو و مشاجره اتفاق افتاده و منجر به خشونت و پرده‌داری شده جناب آخوند ملاهاشم با کوچ‌وبنه بمشهد مقدس آمده است حکم همایون به مقرب الخاقان شهابالملک شرفصدور یافته شما هم مستحضر خواهید شد بنواب پرویز میرزا حاکم نیشابور هم از جانب سنی الجوانب همایون امر و مقرر شده است که آدم فرستاده جناب مشارالیه را هر طور است دلجوئی کرده باز به نیشابور معاودت دهد. می‌باید شما هم از قراری که به مقرب الخاقان شهابالملک نوشته شده است معمول دارید و مراقبت نمائید که آخوند ملاهاشم باز معاودت کرده روانه نیشابور گردد. در باب وظایف هم بهمان قرار که حکم همایون است قرارداد آدم بفرستید. فی شهر صفر المظفر ۱۲۷۷.

صحیح است (صحته شاه). بامهر دبیرالملک در پشت دستور

= ۱۲ =

[دستور شاه به عضد الملك درباره فروش غله سرکار فیض آثار]

نمره ۷۸

هو، در باب پنجهزار خروار غله که از املاک حضرت (ص) امر و مقرر شده بود در انبار نگاه دارید شاید برای سیورسات قشون مأمور مرو لازم شود از قراری که مقرب الخاقان قوام الدوله نوشته بود در سمت میمند و بارو چاق غله بقیمت ارزان بهم خواهد رسید در اینصورت غله حضرت را معطل کردن لازم نیست. فروخته بمصارف تذهیب صحن مطهر برسانید. احتیاطاً برای مرو غله بار کرده بلوکات ارض اقدس و موجودی انبار شهر و محمود آباد جام کفایت خواهد کرد بمقرب الخاقان شهاب الملك حکم شده است آورده در شهر نگاهدارد تا غله حضرت را بفروش برسانید. فی شهر صفر ۱۲۷۷.

باصحة شاه: صحیح است و مهر دبیر الملك در پشت دستور.

= ۱۳ =

[دستور شاه درباره موقوفات هرات]

هو، در باب املاک موقوفه حضرت (ع) واقعه در هرات حاجی سیدا ابوالحسن شرحی نوشته بود در خاکپای همایون ملحوظ افتاده در طی احکام علیه موکداً بسردار سلطان احمد خان امر و مقرر شده است که لازمه تقویت و مراقبت را بعمل آورده نگذارد امر موقوفات بی نظم شود. البته شما هم باو بنویسید و اگر میدانید از میرزا جبار کاری ساخته نمی شود او را تغییر داده آدم دیگر مشخص کرده بفرستید و ملتفت این فقره هم باشید که آن آدمی که میفرستید آدم زیرک و هوشیار باشد و در جزو از جمیع اوضاع و احوالات آنجا مطلع شده همیشه روزنامه آنجا را فوشته بشما برساند که باینجا بفرستید و اولیای دولت را از وقایع و گزارشات آنجا بی خبر نگذارد. البته درین فقره زیاد اهتمام داشته باشید. فی شهر صفر المظفر سنه ۱۲۷۷.

صحیح است: (صحة شاه). با مهر دبیر الملك در پشت دستور.

= § =

[دستور شاه در باره شجاع الدوله قوچانی]

هو ، در باب عمل قوچان و بهبودی احوال شجاع الدوله اشعاری کرده بودید باید مراقبت نمائید فیما بین شجاع الدوله و برادرش امیر حسین خان اصلاح شود و اوضاع خانواده آنها مختل نگردد. بجاجی میرزا محمود حکیم باشی هم ملفوفه فرمان مبارک شرفصدور یافت که بهر نحو که میتوانید فیما بین آنها التیام دهد و در معالجه و مداوای شجاع الدوله هم زیاد مبالغه و اهتمام کند که انشاء الله بزودی رفع ناخوشی او گردد در باب بدرقلعه مبارک که ناصر و امر خانوار آنجا هم اظهاراتی کرده بودید جواب مبسوط و مفصل بشهاب الملك نگارش یافته شما مستحضر خواهید شد. حاجت بنگاشتن مجدد نیست. باید شما هم لازمه مراقبت را در انتظام امر آنجا بعمل آورید. فی شهر ربیع الاول ۱۲۷۷. صحیح است (صحفه شاه) بامهر دبیر الملك در پشت دستور

= ۵ =

[دستور شاه به عضد الملك درباره فروش غله سرکار فیض آثار]

از نوشتجات نواب والاحشمت الدوله و سایر سرکردگان اردو که البته شما هم دیده اید چنان مفهوم میشد که برای آذوقه و سیورسات قشون نصرت نمون احتیاج بغله خراسان بهم خواهد رسید. اگر چه سعد الملك بجهت خریدن ده هزار خروار جنس مأمور هرات گردیده لکن باید شما هم احتیاطاً مقدار پنج هزار خروار جنس از بابت انبار حضرت (ع) نگاه داشته بفروش نرسانید که در انبار مهیا و موجود باشد، همینکه مقام احتیاج شد بارگیری کرده حمل و نقل نمایند و وجه قیمت آنها از دیوان اعلیٰ مرحمت خواهد شد. می باید در این باب بهیچوجه من الوجوه مضایقه و کوتاهی نکرده هر طور است پنج هزار خروار جنس پاک نگاهدارید. فی شهر ربیع الاول ۱۲۷۷. صحیح است (صحفه شاه). بامهر دبیر الملك در پشت دستور

در انتهای نامه شاه به خط خود نوشته. البته پنج هزار خروار را نگاه بدارید.

= ۱۶ =

[دستور شاه درباره انتظام امور سرخس]

نمره ۷۸

نوشتهجات محمد ولیخان سردار و سرکردگان را که فرستاده بودید در خاکپای همایون ملحوظ افتاد. باید در انتظام امور سرخس لازمه مراقبت و مواظبت را مرعی و منظور دارید. اینکه نوشته بودید لازم است صارم الملك و کردو خان بسرخس بروند بودن آنها در سرخس برای سرپرستی خانوار و تدارك آذوقه و مدار آنها بسیار خوبست. البته هرطور است آنها را روانه دارید و به نهجی که مفصلا به شهاب الملك مرقوم شده شما هم خواهید دید خانوار عمارلو و تیموری که بایست بروند آذوقه آنها را تارفع محصول تدارك نموده با خودشان حمل و نقل کرده ببرند و در آنجا هم مراقبت نمایند که امر زراعتشان منظم و مضبوط باشد. در باب بذرو عوامل هم حسب الامر شهاب الملك جابجا کرده خواهد رسانید. خلاصه در انتظام امور و حفظ سرحد سرخس و امنیت راه باید لازمه اهتمام را بعمل آورده کمال تقویت را از محمد ولیخان سردار [چند کلمه پاره شده] فی شهر ربیع الآخر سنه ۱۲۷۷.

(حاشیه) احکام همایون بنحوی است که علی التفصیل بمقرب الخاقان شهاب الملك مرقوم شده و خواهید دید. البته تا ورود امیرالامراء العظام ظهیرالدوله در حفظ امنیت ولایت کمال مراقبت بعمل آورید. حرره فی شهر ربیع الثانی ۱۲۷۷. صحیح است (صححه شاه). بامهر دبیر الملك در پشت دستور.

= ۱۷ =

[دستور شاه درباره رفتن امیر حسین خان به قوچان]

نمره ۷۹

هو، از قراریکه بعرض رسید امیر حسین خان از راه جهالت و نادانی خودسر، عزیمت قوچان نموده رفته با آن حالت و توهم و توحشی که شجاع الدوله از او داشت. حقیقه بسیار غلط و خلاف کرده محض مرحمت ملوکانه از جانب سنی الجوانب

همایون بامیرالامراالعظام ظهیرالدوله بالمشافهته ... امر و مقرر شده بود که او را در مشهد مقدس نگاهدارند که مصدر خدمتی شود. ظهور این حرکت از او بسیار خلاف بود. اما از قراریکه نوشته بودند قراولان قوچانی او را راه ندادند مانع شده اند. او هم برگشته بدر جزر فته است حقیقه خیلی خوب کرده اند. باید حسب الامر آدم فرستاده بزودی او را آورده در آنجا نگاهدارید و قدغن نمائید خیال رفتن قوچان را از خاطر خود بیرون کنید. رأی جهان آرای همایون است و لازمه مراقبت را در انتظام امور قوچان بعمل آورید. [چند کلمه پاره شده است]. فی شهر ربیع الاخر سنه ۱۲۷۷ صحیح است (صحۀ شاه) بامهر دبیر الملک در پشت دستور،

-۱۸-

دستور شاه درباره بهادر خان و مطالبات مردم

نورۀ ۸۲

تفصیلی در باب بهادر خان نگاشته اظهار داشته بودید که صارم الملک ضمانت نموده او را از منزل شهاب الملک بیرون آورده که قرار تنخواه دیوانی و مطالبات مردم را بدهد رفته بست نشسته است اولاً باید صارم الملک که ضمانت کرده است حتماً او را از بست بیرون آورده قرار تنخواه دیوان را بدهد. ثانیاً پاره ای ادعاها که نوشته بودید بهادر خان از آدمهای خود و کسانی را که در ایام حکومتش در ولایت مباشر کرده بود دارد از جمله میگوید هزار و سیصد تومان نقد به آن دو نفر داده که فرستاده در مشهد غله خریداری کنند حالاً انکار دارند و آنهام که مباشری داشته اند میگویند تنخواه نقد از ولایت وصول کرده بخود بهادر خان داده ایم و او منکر است می بایدهمه آنها را خواه در آنجا حاضر باشند خواه در ولایت یکجا حاضر نموده رجوع به مرافعه نمایند و خودتان هم با کمال دقت غوررسی و رسیدگی کنید. موافق قانون شرع و عرف بگردن هر کدام ثابت شود محصل گماشته حتماً تا دینار آخر مطالبه و دریافت کنید. در اینسکه او مبالغ کلی از

ولایت تحصیل کرده گرفته و سه هزار و یکصد و چهل تومان تنخواه دیوانی را هم که از بابت قیمت غله باو داده بودند دیناری بر رعیت نداده و جنس را خفا از رعیت گرفته است جای شبهه نیست. ولی چون شما توسطی از او کرده بمقام شفاعت بر آمده بودید دیوانیان عظام مطالبه ما خودی و سایر تعدیات او را نخواهند کرد. لکن باید وجه نقدی که گرفته و بر رعیت نداده حتماً رد کند. یک هزار تومان هم که سابقاً شهاب الملک از او گرفته عالیجاه میرزا اسدالله تحویل داده از تنخواه مزبور محسوب است. دو هزار و یکصد و چهل تومان را هم البتہ گرفته به میرزا اسدالله تحویل داده و قبض گرفته بفرستید که از بابت فاضل آخر کتابچہ طلب قوام الدولہ محسوب خواهد شد. میباید در وصول آن تنخواه از بہادر خان لازمہ مراقبت را بعمل آورید. او هم با کمال شکر گزاری بپردازد، فی شہر ربیع الاول سنہ ۱۲۷۷ .
صحیح است (صحہ شاہ) ، بامہر دبیر الملک در پشت دستور .

- ۱۹ -

[دستور شاہ درباره رساندن آذوقہ بہ سرخس]

نہرہ ۸۳

در باب مقدمہ سرخس نوشتہ بودید ساخلو و خانواری آنجا بعد از رسیدگی خیر شکست اردوی مرو و اہمہ کردہ قلعہ را خالی گذاشتہ بیرون آمدہ اند و بعد از شنیدن این کیفیت جمعیت و سوارہ قورخانہ و آذوقہ فرستادہ اید کہ آنہا را برگردانند اگرچہ انشاء اللہ تعالی تابحال یقیناً مراجعت کردہ بہ سرخس رفتہ اند ولی باید شما و مقرب الخاقان شہاب الملک کمال مراقبت را داشتہ باشید کہ آنہا برگردند و بسرخس رفتہ و بہر طور است مال کرایہ پیدا کردہ آذوقہ بہ آنہا برسانید کہ معطل نباشند. شہر ربیع الثانی ۱۲۷۷ .
باصحہ شاہ: «صحیح است». پشت این دستور بہ مہر «دبیر الملک» مہر شدہ است .

= ۲۰ =

[دستور شاه به عضدالملک درباره فروش غله سرکار فیض آثار]

نمره ۸۴

در باب غله انبار سرکار فیض آثار حکم همیونی این است که از برای دولت در آن حدود غله ضرور خواهد شد و باید موافق حکمی که سابقاً مرقوم شده است غله انبار حضرت را نفروشید و از برای دولت نگهدارید. بلکه در سال آینده هم ضرور خواهد شد و غله انبار حضرت را دولت خود میخرد. اینکه نوشته بودید برای مخارج تذهیب ایوان چهارینجهزار تومان تنخواه مرحمت شود که اگر غله خریده شد از بابت قیمت آن محسوب شود فرمایش همیونی این است: بعد از آنکه نواب حسامالسلطنه آمدند قرار تنخواه آن داده خواهد شد که نواب معزی الیه بهمراه خود آورده در آنجا تسلیم نمایند و انشاءالله تعالی نواب معزی الیه زود خواهند آمد. شهر ربیع الثانی ۱۲۷۷.

باصحه شاه: «صحیح است» و مهر دبیرالملک در پشت دستور.

شاه به خط خود در حاشیه نوشته است: «غله را نگاه دارد»

= ۲۱ =

[دستور شاه در باره غلام حیدر خان افغان]

نمره ۸۵

در باب غلام حیدر خان افغان که نوشته بودید خیال رفتن قندهار را ندارد و استعدا کرده است که صد نفر سواره افغان گرفته همیشه با سواره اش در خراسان مشغول خدمت گذاری باشد شهابالملک هم این فقره را نوشته بود مرا تب بعرض خاکپای همایونی رسید و استدعای غلام حیدر خان پسندیده افتاد، باینطور که رأی جهان آرای همایون بر این تعلق یافته است که دوهزار سوار جدید در خراسان گرفته شود.

غلام حیدر خان هم این صد نفر سوار افغان را پادار کرده سان بدهد. در جزو همان دوهزار سوار برقرار خواهد شد. بلکه اگر علاوه بر آن یکصد نفر

سوار افغان یکصد نفر سوار دیگر هم خود او از خراسانی او طلب با اطلاع ظهیر - الدوله گرفته و سان بدهد این دو بیست نفر سوار همیشه ابواب جمع خود او میشود و مواجب و جیره آنها از دیوان اعلیٰ مرحمت می شود که در آن صفحات مشغول خدمتگذاری باشند. اما باید شما با غلام حیدر خان گفتگو نموده قرار مواجب و جیره خود او را مشخص نمایند که معلوم شود خیال او چیست و چه قدر مواجب و جیره منظور دارد از دیوان اعلیٰ بگیرد. اگر بحالت نو کوی و بقدر اندازه جیره و مواجب خواهد خواست دیوان اعلیٰ نیز مضایقه نخواهد کرد و خواهد داد و اگر توقع مواجب و جیره گزاف دارد این فقره اشکال دارد. مثلاً وقتی که مشارالیه بدار الخلافه آمده بود می گفت شش هفت هزار تومان مقروض شده ام! اگر باین خیالها و باین طورها حرکت خواهد کرد از برای دیوان اعلیٰ مشکل است. خلاصه باید در این مورد با خود او گفتگو نمائید و کیفیت را بنویسید تا تکلیف معلوم شود. شهر ربیع الثانی ۱۲۷۷.

صحیح است: (صحۀ شاه) با مهر دبیر الملک در پشت دستور در صدر نامه به خط شاه دارد: در آن فقره به ظهیر الدوله حکمی نوشته شده است بخواند.

= ۲۲ =

[دستور شاه درباره خرید اسراء از ترکمانان]

نور ۸۶

درباب اسرائی که در این مقدمه در دست ترکمان گرفتار شده اند هر چند در حق آنها از هیچگونه مرحمت دریغ نخواهد شد ولی اگر علانیه از جانب دولت بخیریداری آنها اقدام شود دو عیب خواهد داشت: یکی اینکه کسر شأن دولت است و دیگر اینکه آنها همینکه دانستند دولت در مقام خریداری اسراء است بر قیمت آنها خواهند افزود. حکم همایونی اینست که شما و شهاب الملک در جزء تجار جدید خراسانی را که همیشه تجارت و راه با آنها دارند بفرستید همه اسراء را یکجا قیمت کرده تمام نموده باسم اینکه کسان و منسوبان

خودشان پول میدهند تنخواه برده گرفته. حتی ظهیرالدوله هم اگر مشتری شود آنها درك مطلب و مدعا خواهند کرد. البته در این باب کوتاهی ننکرده از تجار جدید الاسلام آنجا چند نفری را روانه دارید و تنخواه هم موافق صورت علیحده که برای ظهیرالدوله ارسال شده است، در خراسان تنخواه دیوانی هست بعد از آنکه قراردادن تنخواه شد از همان بابت کارسازی کرده انشاءالله تعالی آنها را مستخلص نمایند. شهر ربیع الثانی ۱۲۷۷.

صحیح است (صحۀ شاه) با مهر دبیرالملک در پشت دستور.

= ۲۳ =

[دستور شاه در موافقت با ظهیرالدوله]

نمره ۸۷

در بارهٔ مأموریت امیرالامراء العظام ظهیرالدوله که نوشته بودید خیلی مایهٔ امیدواری خودم شده است اگر چه مقرب الخاقان مشارالیه سفیر کبیر هم مأمور خراسان شده است و مردم آنجا را خوب میشناسند ولی چون هر وقت اقتضائی دارد و مقرب الخاقان مشارالیه تازه وارد شده هنوز بلدیت ندارد لهذا باید شما کمال موافقت و همراهی را با مقرب الخاقان مشارالیه نموده هر چه را مقرون بصلاح دانید باو حالی کنید تا بلدیت تام بهم برساند و انشاءالله تعالی نواب حسام السلطنه هم بمقر حکومت خود بیایند. حررفی شهر ربیع الثانی ۱۲۷۷.

صحیح است: (صحۀ شاه) با مهر دبیرالملک در پشت دستور.

= ۲۴ =

[دستور شاه در بارهٔ ایل جمشیدی و ولی محمد خان جمشیدی]

در باب عالیجاه ولی محمد خان جمشیدی که نوشته بودید چون مهمان ورسیدهٔ دولت بود باواظهار مهربانی کرده اید عیبی ندارد. ولی در باب بقیهٔ ایل جمشیدی که در سرحدات قوچان هستند و نوشته بودید به عالیجاه ولی محمد خان واگذار شود این عمل موقوف بصوابدید خود نواب والا حسام السلطنه است که

هم ایل جمشیدی را خود ایشان کوچانیده بمشهد آورده اند و هم مصالحت وقت را بهتر میدانند. بعد از آنکه نواب معزی‌الیه وارد شدند با ایشان در این فقره گفتگو کنید. اگر صلاح دانستند تفصیل را خودشان بنویسند ممضی و مقبول خواهد شد. شهر شعبان ۱۲۷۷.

صحیح است (صحۀ شاه) با مهر دبیرالملک در پشت دستور.

= ۲ =

[دستور شاه در باره تهریکات خدام نسبت به عضدالملک]

صفحه ۲

تفصیلی که در باب حرکات خدام نسبت به خودتان نوشته بودید بنظر انور اقدس همایونی رسید. اینکه نوشته بودید نمیدانم آن التفات و مرحمت سابقه ملوکانه در باره من شامل است و میتوانم در نظم خدام بطریق استقلال و استیلاء حرکت کنم یا اینکه مرحمت ملوکانه سلب شده، این حرکات خدام از بابت زوال مرحمت ملوکانه و اشاره اولیای دولت علیه است فرمایش همیونی این است که مرحمت خاطر خطیر مبارک بنحو سابق بلکه اتم و اکمل در حق شما شامل است و بهیچوجه قصوری در مراحم خدیوانه نسبت بشما حاصل نشده است و احدی از اولیای دولت علیه هم با عنایت خدیوانه چنین اشارتی نمی‌توانند بکنند و در اینخصوص بنواب حسام‌السلطنه در ضمن احکام موکداً مرقوم شد که به خدام ضرب معقول برند و قدغن نمایند که احدی از امر و صوابه دید شما تخلف نکنند، والا مورد عتاب خواهند شد و بافتخار خود شما هم ملفوفه فرمان مبارک به مضمونی شرف‌صذور یافته است که بتوانید بخدام نشان بدهید. البته مرحمت ملوکانه را در باره خود کامل و شامل دانسته با کمال استقلال مشغول نظم امور متعلقه بسرکار فیض آثار باشید. شهر ذی‌الحجه ۱۲۷۷.

صحیح است (صحۀ شاه) و مهر دبیرالملک در پشت دستور.

ناصرالدین‌شاه خود در حاشیه نوشته است:

البتّه پدر خدام را آتش زده در کمال استقلال مشغول نظم امور حضرت باشید.

= ۲۶ =

[دستور شاه به حسام السلطنه در باب عضدالملک و خدام سرکار فیض آثار]

نمره ۱۰۳

مقرب الخاقان عضدالملک این دفعه در ضمن نوشتجات خودش اشعاری از این فقره نموده بود اوقاتی که او بستری و ناخوش بوده است بمضی از خدام حضرت به پاره ای خیالات فاسده افتاده می خواسته اند اسباب اختلال و اغتشاش در امر آستانه مبار که فراهم بیاورند و نسبت به او بعضی طورها حرکت نمایند و بدین سبب مقرب الخاقان مشارالیه دلتنگی بهم رسانیده است. لهدا بر حسب امر قدردرهمیونی به نواب والا مرقوم میشود که این فقره را به خدام آستانه مبار که عموماً حالی و معلوم نمایند که اگر به قدر سرموئی از آنها نسبت به عضدالملک بی احترامی واقع شود یا احدی از صوابدید و امر و نهی او تخلف کند یقیناً مورد عتاب خواهد شد. عضدالملک نوکر بزرگ این دولت است و اختیار امور آستانه مبار که سرکار فیض آثار کلیه برعهده او واگذار شده است و از جانب سنی الجوانب همایون اذن و اجازه باو داده شده است که هر یک از خدام به خلاف قاعده حرکتی کند یا از حرف او بیرون برود تنبیه کند. باید نواب و الانیز همیشه مراقب نظم کار او باشد و کمال تقویت را به عمل بیاورند و به خدام قدغن کامل کنند که درست حرکت کنند و از امر و نهی او تجاوز و تخلف نکنند. شهر ذیحجه ۱۲۷۷

(صحفه شاه) بامهر دبیرالملک در پشت دستور.

شاه به خط خود در حاشیه نوشته است :

صحیح است.

شما بدانید که عضدالملک نوکر بزرگ دولت است و به خدمت بزرگ مأمورست و مارا در حق او اعتمادست. این تصورات بی معنی خدام یعنی چه. البته آنها را تنبیه بکنید.

جانب خدیجه
 در حدود قزوین
 بعد از این که
 آب بر زمین
 در حدود قزوین
 در حدود قزوین

در باب سخن طه ای که در کرد و بود حقیقت به در باب

ب

در تمام این کتاب در دست معلوم بخش نایب در این

✓

حقیقت در دنیا نیز از آن کس با زنده بودم با در دنیا

در علم بکار به کار کرده در کتاب که در علم

در علم و اخلاق کرد و کرد سر و سر

ت به تمام عالم که در دنیا به در دنیا

کتاب

۱۲۷۷

در کتاب که در علم و اخلاق کرد و کرد

در باب ازدواجین فرزندان بیگانه در شهر خراسان

و اگر از آنکه کسی که در این میان بر آید و در این میان در باب

اسرار عامه که در این میان در آید و در این میان در باب

در این میان در آید و در این میان در باب

که آن که در این میان در آید و در این میان در باب

باز نیز آنکه در این میان در آید و در این میان در باب

و در این میان در آید و در این میان در باب

از این میان در آید و در این میان در باب

و در این میان در آید و در این میان در باب

کتابخانه

عمر ۷۷

از دارم زنده بعد سوار بفرمایید لذت بردن

وزیر
مردان مردار خاسته در از برای ادره

بنا بر این هم در وقت ظهر ادبانه

دبیر زید در وقت آن حال تمام

۱۱۷
در
کسب بعد از ادره

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

در باب قرض بود در مطبق خان که در شربیه خود آفرین بود

بطایران این برودت در خوب کلابه ^{نایاب} ^{نایاب}

که این برودت ^{موق} ^{سال} ^{دارد} ^{نادر} ^{است} ^{آن} ^{با} ^{باید} ^{مهر} ^{انفاد} ^{دارد}

که بطایران اوردان ^{تحت} ^{فرد} ^{مهر}

۱۲۷۷

۱۱۱۱

ایمان از منی صحت در این است

توجه به تمام اقسام و اشیاء

از این سخن در صورتی که

بجز در صورتی که

در این است که

در این است که

در این است که

کتابت کتاب که در این است

صحت به این است که

در این است که

در این است که

در این است که

Handwritten text in Urdu script, appearing to be a list or record of items, possibly related to a library or collection. The text is arranged in several lines, with some entries indented. The handwriting is cursive and somewhat faded. There are some dark spots and a large circular mark on the right side of the page.

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

باین حساب در کسبیت برهگان صادره بهر جهت

حساب اخذ شده با کسب و بهر جهت کسبیت حکم

باین حساب در کسبیت برهگان صادره بهر جهت

حکمیت در این حساب کسبیت برهگان صادره بهر جهت

حکمیت در این حساب کسبیت برهگان صادره بهر جهت

حکمیت در این حساب کسبیت برهگان صادره بهر جهت

حکمیت در این حساب کسبیت برهگان صادره بهر جهت

حکمیت در این حساب کسبیت برهگان صادره بهر جهت

کسبیت

۱۲۶۷

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الذين هم خاتم النبيين
مما مضى
والله اعلم
بما يخفى

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الذين هم خاتم النبيين
مما مضى
والله اعلم
بما يخفى

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الذين هم خاتم النبيين
مما مضى
والله اعلم
بما يخفى

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الذين هم خاتم النبيين
مما مضى
والله اعلم
بما يخفى

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الذين هم خاتم النبيين
مما مضى
والله اعلم
بما يخفى

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
الذين هم خاتم النبيين
مما مضى
والله اعلم
بما يخفى

۱۲۶۷

بسم الله الرحمن الرحيم
در باب اول که بر آن حضرت داده در مراتب حاجت

مدرسه بر در کتب این خط است و در هر یک حدیثی که آمده است

در این مورد است و در هر مرتبه و مراتب را اینها

در هر وقت و در هر وقت تمام با او بنشینید و اگر کسی

که در هر وقت و در هر وقت او را بشیر داده و تمام در هر وقت

این حدیث را بنشینید و آن را در هر وقت تمام در هر وقت

و در هر وقت از هر وقت در هر وقت تمام در هر وقت

روزنامه آنجا را از هر وقت تمام در هر وقت تمام

هست و از هر وقت تمام در هر وقت تمام در هر وقت تمام

الحمد لله

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
فان من نفع الله به
العلماء والدارين
العلماء والدارين
العلماء والدارين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
فان من نفع الله به
العلماء والدارين
العلماء والدارين
العلماء والدارين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
فان من نفع الله به
العلماء والدارين
العلماء والدارين
العلماء والدارين

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين
فان من نفع الله به
العلماء والدارين
العلماء والدارين
العلماء والدارين

۱۴

کتاب
تاریخ
مؤلف
محل

در وقت قریب در وقت اولی از این کتاب

در وقت اولی از این کتاب

در وقت اولی از این کتاب

در وقت اولی از این کتاب

در وقت اولی از این کتاب

در وقت اولی از این کتاب

در وقت اولی از این کتاب

در وقت اولی از این کتاب

در وقت اولی از این کتاب

در وقت اولی از این کتاب

و نه است که چون در روزگار کان و در هر کس که در کس

بیم در نظام که هر کس در نه است او است و هر کس که در

ندم است خادم که که در کان بر سر روزگار آن که در هر کس که در

و نه است که در هر کس که در نه است او است و هر کس که در

و نه است که در هر کس که در نه است او است و هر کس که در

و نه است که در هر کس که در نه است او است و هر کس که در

و نه است که در هر کس که در نه است او است و هر کس که در

و نه است که در هر کس که در نه است او است و هر کس که در

و نه است که در هر کس که در نه است او است و هر کس که در

کلی

و نه است که در هر کس که در نه است او است و هر کس که در

بسم الله الرحمن الرحيم

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعلنا من امة محمد صلى الله عليه وآله وسلم
امية نورا في ظلمات الجهل والارباب
والله اعلم بالصواب

بسم الله

الحمد لله الذي جعلنا من امة محمد صلى الله عليه وآله وسلم
امية نورا في ظلمات الجهل والارباب
والله اعلم بالصواب
بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله الذي جعلنا من امة محمد صلى الله عليه وآله وسلم
امية نورا في ظلمات الجهل والارباب
والله اعلم بالصواب

ببابت مقدمه ای که در وقت خود ساخته شده است که در این

۱۹

بزرگ است و هر چه در آن است را در آن وقت که در آن است

این کتاب است در آن وقت که در آن است

بزرگ است و هر چه در آن است را در آن وقت که در آن است

بزرگ است و هر چه در آن است را در آن وقت که در آن است

بزرگ است و هر چه در آن است را در آن وقت که در آن است

۱۳۰۵

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام على
سيدنا محمد وآله الطيبين
الطاهرين

عزیز و محترم ہونے کی بنا پر
میں نے یہ خط لکھ کر تم کو
لکھا ہے تاکہ تم کو
خبر ہو کہ میں نے تم کو
بھیج دیا ہے

تمہاری بہت سی باتوں کا
میں نے جواب دیا ہے
اور تمہاری باتوں کا
میں نے جواب دیا ہے

میں نے تم کو
بھیج دیا ہے
اور تمہاری باتوں کا
میں نے جواب دیا ہے

میں نے تم کو
بھیج دیا ہے
اور تمہاری باتوں کا
میں نے جواب دیا ہے

میں نے تم کو
بھیج دیا ہے
اور تمہاری باتوں کا
میں نے جواب دیا ہے

میں نے تم کو
بھیج دیا ہے
اور تمہاری باتوں کا
میں نے جواب دیا ہے

۱۳۰۵
میں نے تم کو
بھیج دیا ہے
اور تمہاری باتوں کا
میں نے جواب دیا ہے

این است که در این کتاب
 در باب اول از کلیات
 و در باب دوم از جزئیات
 و در باب سوم از فروع
 و در باب چهارم از مصادیق
 و در باب پنجم از ادعیه
 و در باب ششم از مناجات
 و در باب هفتم از تسبیح
 و در باب هشتم از تهلیل
 و در باب نهم از تهلیل
 و در باب دهم از تهلیل

این است که در این کتاب
 در باب اول از کلیات
 و در باب دوم از جزئیات
 و در باب سوم از فروع
 و در باب چهارم از مصادیق
 و در باب پنجم از ادعیه
 و در باب ششم از مناجات
 و در باب هفتم از تسبیح
 و در باب هشتم از تهلیل
 و در باب نهم از تهلیل
 و در باب دهم از تهلیل

باب ششم حدیثی از آن که زنی در حال غسل صورتش را فرود آورد

و آنکه زنی در وقت غسل در آن آب در آن میزد
 و آنکه زنی در وقت غسل در آن آب در آن میزد
 و آنکه زنی در وقت غسل در آن آب در آن میزد

و در این صورت غسل بر او واجب است

و در این صورت غسل بر او واجب است

و در این صورت غسل بر او واجب است

و در این صورت غسل بر او واجب است

و در این صورت غسل بر او واجب است

و در این صورت غسل بر او واجب است

و در این صورت غسل بر او واجب است

و بابت آنکه در این مقدمه در دست زکمان که گشته است

در حق آنها از بزرگواران است و این گمانه و در آنکه در این مقدمه است

بجز این است که آنرا در دست خاندان است یا بزرگواران است

در این مقدمه است و این مقدمه در دست خاندان است

آنجا خاندان از بزرگواران است که تا به این مقدمه است

تجدید خاندان که این مقدمه است و در آنجا خاندان است

بسته برادران است که تمام خود را به این مقدمه است

خودشان به این مقدمه است و در آن مقدمه است

در آن مقدمه است که این مقدمه است و در آن مقدمه است

Handwritten notes on the right side of the page, including a large '۱' and several lines of text.

دعای مبارک امیرالذمما العظیم ^{مؤید} که در کتب معتبره یافت می شود و در این کتاب

۵
۱۳۰۷

در کتب معتبره آن سرایید شکریم ما روز ۲۴ در کتب معتبره ^{بجای}

در کتب معتبره آن سرایید شکریم ما روز ۲۴ در کتب معتبره ^{داره}

شکریم ما روز ۲۴ در کتب معتبره آن سرایید شکریم ما روز ۲۴ در کتب معتبره

بجای آن سرایید شکریم ما روز ۲۴ در کتب معتبره آن سرایید شکریم ما روز ۲۴ در کتب معتبره

بجای آن سرایید شکریم ما روز ۲۴ در کتب معتبره آن سرایید شکریم ما روز ۲۴ در کتب معتبره

شماره ۲

در باب طهارت و نماز و غیره در کتب معتبره

در باب طهارت و نماز و غیره در کتب معتبره

در باب طهارت و نماز و غیره در کتب معتبره

در باب طهارت و نماز و غیره در کتب معتبره

در باب طهارت و نماز و غیره در کتب معتبره

در باب طهارت و نماز و غیره در کتب معتبره

کتاب طهارت و نماز و غیره در کتب معتبره

الحمد لله رب العالمين

دردی بجهت

تغییر حکم
مردم

صفتی که باب حکمت منافع کفایت از آن بدو نیز از آن بدو

دعا
پس از آنکه در همه منافع آن افادت از آن شده و کما به

در تمام منافع برتری بجدل و به دو حکم یا بدو حکم

این که حکمت از بدو زهد و کما به و بدو حکم

و در هر دو حکم که حکمت و حکم و بدو حکم

در هر دو حکم که حکمت و حکم و بدو حکم

و حکمت و حکم و بدو حکم و حکم و حکم

و حکم و حکم و بدو حکم و حکم و حکم

دردی بجهت
تغییر حکم
مردم

مراغه و غنچه نظر اول

در همه بنام الله

پس در روی او ایلا

از خود در بنام الله

عالم حقیرم اینه

یا علامه اعلی

کتابخانه غنچه ایلا در تمام کتابت نویسی بحد برسان پس هر چه بود

ایضا که در متن و بخش اول است فضا خفا حضرت بیارید

کتاب

نیز

آقای غنچه که باب اول در بخش اول است بنام الله

نظر از حرکت خانه در باب اول است که این است

در باب اول در متن است که این است

آنها به بزرگ عیال و علوم مانده که از بقعه رونق گرفته

عبارت اول در متن است که این است

در متن کتاب غنچه ایلا در تمام کتابت نویسی بحد برسان پس هر چه بود